

فرسایش سرمایه اجتماعی و قانونگریزی در شهر تهران

علی اصغر فیروزجاییان*، یحیی علی بابائی**
(تاریخ دریافت 91/1/27، تاریخ پذیرش 92/03/29)

چکیده: وجود نظم در روابط اجتماعی اساس زندگی جمعی است. اختلال در روابط اجتماعی می‌تواند موجب بی‌نظمی اجتماعی گردد. رویکرد نظری تحقیق حاضر این است که فرسایش سرمایه اجتماعی که به نوعی ضعف پیوندهای عینی و ذهنی برون‌گروهی در جامعه است می‌تواند موجب بی‌هنجاری یا قانونگریزی در جامعه گردد. در این تحقیق از نظریه پاتنام و فوکویاما برای تحلیل فرسایش سرمایه اجتماعی استفاده گردید. روش تحقیق پیمایش بوده و جامعه آماری تحقیق افراد بالای 24 سال شهر تهران می‌باشند. که از میان آن‌ها 400 نفر به‌عنوان نمونه تحقیق به روش نمونه‌گیری چند سطحی انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق ساخته می‌باشد. برای بررسی قانونگریزی، آن را به دو بعد ذهنی (جهت‌گیری) و عینی (رفتار) تقسیم کرده و به بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل در هر دو بعد پرداختیم. در بررسی متغیرهای زمینهای بین جنسیت، وضعیت تاهل، نوع شغل، سن، تحصیلات و وضعیت اقتصادی با هر دو بعد قانونگریزی رابطه معنی‌داری دیده شده است. متغیرهای اصلی تحقیق به همراه تاثیر کلشان بر متغیر وابسته عبارتند از: پنداشت از فردگرایی در جامعه (0/17)، فردگرایی افراطی (0/32)، عدم اعتماد عام (0/09)، عدم اعتماد مدنی (0/15)، روابط رسمی ضعیف

*استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران firozjayan@gmail.com

**استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

(0/03) و روابط غیر رسمی (0/24). این متغیرهای به همراه قانونگریزی ذهنی (0/24) 25 درصد از تغییرات متغیر وابسته اصلی تحقیق (قانونگریزی عینی) را تبیین کرده‌اند. این در حالی است که تاثیر این متغیرها (به جز روابط غیر رسمی) بر قانونگریزی ذهنی 0/40 می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که فرسایش سرمایه اجتماعی بر جهتگیری قانونگریزانه تاثیر بیشتری نسبت به رفتار قانونگریزانه دارد.

مفاهیم کلیدی: فرسایش سرمایه اجتماعی، قانونگریزی ذهنی، قانونگریزی عینی، فردگرایی افراطی، عدم اعتماد.

طرح مساله

قانونگریزی¹ یا انحراف از قانون در هر جامعه‌ای تا اندازه ای وجود دارد. که این موضوع با توجه به نوع جامعه می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. مطالعات مختلفی که در دو دهه اخیر در ایران به صورت نظر سنجی (نظر سنجی‌های صدا و سیما، 1373، 1374 الف، 1374 ب، 1377، محسنی، 1375، طرح ارزش‌ها و نگرش‌ها؛ 1381، سوری، 1384، ایسپا، 1381، 1384، 1385) انجام شده است گرایش یا رفتار قانونگریزانه از جمله نادیده گرفتن قوانین رانندگی، عدم پرداخت مالیات، پرداخت رشوه در ادارات در کشور را تأیید کرده‌اند. در عین حال مطالعات دیگری با رویکرد تحلیلی به بررسی عوامل موثر بر قانونگریزی در ایران پرداختند. بازتحلیل این تحقیقات بیانگر تاثیر عوامل کلی زمینه‌ای، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر قانونگریزی است (علی بابائی، فیروزجائیان، 1388) در عین حال قانونگریزی می‌تواند نتیجه نهایی عدم تعلق اجتماعی فرد قانونگریز به هنجارهای رسمی اجتماعی باشد. پیوند اجتماعی ضعیف یا سرمایه اجتماعی منفی فرد را در وضعیتی قرار می‌دهد که تخطی از قانون را به اطاعت از آن ترجیح می‌دهد.

سرمایه اجتماعی که حاصل روابط اجتماعی بین افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است در برقراری نظم اجتماعی تاثیر به سزایی دارد. چرا که سرمایه اجتماعی با متغیرهای شناخته شده جامعه شناسی همچون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی، انسجام و همبستگی گروهی و همکاری ارتباط دارد (تاجبخش، 1384). اهمیت این مفاهیم در برقراری نظم اجتماعی در سطح جامعه بر هیچکس پوشیده نیست. چرا که نقصان در هر یک از این مفاهیم در سطح فردی بی نظمی و انحراف اجتماعی (قانونگریزی) را به همراه خواهد داشت.

باید توجه داشت که جوامع در حال گذار تغییرات اساسی در حوزه‌های مختلف را تجربه می‌کنند. از این رو سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه‌های دیگر (فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی و انسانی) دچار تغییراتی

می‌شود. اما مساله اینجاست که سرمایه اجتماعی مشخصاً از حالت درون گروهی به سوی سرمایه اجتماعی برون گروهی حرکت نمی‌کند و این موضوع جامعه را با فرسایش سرمایه اجتماعی¹ روبرو خواهد کرد (شارع پور؛ 1380، عبداللهی؛ 1386). در حقیقت باید گفت اگر روابط درون گروهی را که موجب پیوند اجتماعی افراد جامعه می‌شود سرمایه اجتماعی مختص جامعه سنتی بدانیم با وقوع تحولات اجتماعی لازم است تا روابط اجتماعی که اساس سرمایه اجتماعی است از حالت درون گروهی به سمت روابط برون گروهی میل کند. این روابط اجتماعی برون گروهی موجب شکلگیری سرمایه اجتماعی جدید می‌شود. اما به نظر می‌رسد که در جوامع در حال گذار این انتقال به دلایل مختلف یا اتفاق نمی‌افتد. یا این‌که اگر هم اتفاق می‌افتد به دلیل سرعت تغییرات یا ناموزون بودن آن دچار نوعی فرسایش می‌شود. در حقیقت می‌توان گفت که این ضعف پیوندهای عینی و ذهنی نسبت به جامعه است که موجب به وجود آوردن مسائل مختلف در جامعه می‌گردد. این پیوندهای ضعیف را می‌توان در قالب فرسایش سرمایه اجتماعی توضیح داد.

بر این اساس هدف این تحقیق بررسی رابطه بین فرسایش سرمایه اجتماعی و قانونگریزی در بین شهروندان تهرانی می‌باشد.

مروری بر تحقیقات قبلی

در رابطه با قانونگریزی در ایران تحقیقات مختلفی انجام شده است. اما نکته محوری که در این نوع تحقیقات وجود دارد گرایش تحقیقات بر قانونگریزی سخت می‌باشد. عمده تحقیقات موجود در حوزه انحرافات اجتماعی در ایران بر جرائم و یا بزهکاری جوانان می‌پرداختند و کمتر به قانونگریزی نرم که مورد توجه این مقاله می‌باشد پرداختند. با این حال برخی از مطالعات عمدتاً اسنادی به بررسی رابطه بین برخی از متغیرها و قانونگریزی پرداختند.

این تحقیقات به بررسی تاثیر عواملی چون استبداد سیاسی (علوی تبار، 1376؛ قاضی مرادی، 1378؛ عبداللهی، 1378)، ویژگی‌های شخصیتی (فادری، 1381؛ عبدی، 1381؛ حق شناس، 1381)، خاصگرایی فرهنگی (رضایی، 1381؛ علیخواه، 1378)، نابرابری اقتصادی (رفیع پور، 1377؛ رازقی، 1378؛ محسنی، 1378)، نامناسب بودن قوانین (شیری، 1383، حاجی صفرعلی، 1381؛ افشاری، 1378)، عدم کفایت مجریان قانون (رضایی، 1384؛ دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، 1375؛ حق شناس، 1381؛ علوی تبار، 1376)، ضعف ضمانت اجرائی (صداقت، 1384، علیخواه، 1378؛ رضایی، 1384؛ فیروز جانیان، 1388) و فردگرایی (حافظی، 1391) بر قانونگریزی پرداختند.

بر این اساس تحقیقات موجود بیشتر به عوامل کلان ساختاری بعنوان عامل تاثیرگذار بر قانونگریزی توجه کردند و کمتر به بحث نوع و شکل رابطه افراد با جامعه و تاثیر آن بر انحراف توجه نشان داده انداما باید توجه داشت که اخلال در روابط اجتماعی افراد با جامعه یا فرسایش سرمایه اجتماعی می تواند زمینه بروز انحراف در جامعه را فراهم سازد.

تحقیقات مختلفی که در زمینه وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران انجام شده است بیانگر فرسایش سرمایه اجتماعی در ایران هستند (عبداللهی، موسوی: 1386؛ رفیع پور: 1378؛ ارزش ها و نگرش ها: 1383؛ وحیدا و دیگران: 1383، ایسپا: 1385؛ دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی: 1385 الف و 1385 ب؛ دینی: 1385؛ رحمانی، کاوسی: 1387، سعادت: 1385؛ فیروزآبادی: 1385؛ قدوسی: 1384). مرور این تحقیقات مشخص خواهد شد که شاخص های سرمایه اجتماعی در ایران امروز از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند.

در تحقیقی که تحت عنوان سرمایه اجتماعی در ایران انجام شده است کل سرمایه اجتماعی (برآیند مولفه ها و ابعاد سرمایه اجتماعی) در ایران پایین رو به متوسط است. در بعد روابط انجمنی نظیر همکاری با نهادهای مدنی ضعیفتر و در بعد پیوندهای بین فردی مثل رفت و آمد با همدیگر قوی تر است. سرمایه اجتماعی درون گروهی یا قدیم بیشتر از سرمایه اجتماعی بین گروهی یا جدید است. هرچه از سطح خانواده به سطوح بالاتر (خویشاوندان، دوستان، همکاران، همسایگان، هم محله ها، هممقومان، همشهریان و هموطنان) حرکت کنیم میزان سرمایه اجتماعی کمتر می شود. بیشترین میزان آن در سطح خانواده و کمترین میزان آن در سطح ملی است. بر اساس این تحقیق به دلیل ضعف سرمایه اجتماعی بین گروهی (جدید) پیامدهای آن از جمله عامگرایی و انسجام جمعی کم می باشد و برعکس به دلیل قوت سرمایه اجتماعی درون گروهی (قدیم) پیامدهای آن (مانند احساس شادی، احساس رضایت) به دلیل روابط شخصی افراد با گروه های کوچک غیر رسمی بالاست (عبداللهی، موسوی؛ 1386: 225). نتیجه این تحقیق بیانگر غلبه سرمایه اجتماعی قدیم (درون گروهی) بر سرمایه اجتماعی جدید (سرمایه اجتماعی برون یا بین گروهی) است. قطعاً این نوع سرمایه اجتماعی تاثیر منفی ای بر عامگرایی و انسجام ملی گذاشته که نتیجه آن انواع آسیب های اجتماعی و اختلال در نظم اجتماعی است.

بررسی میزان اعتماد به مسئولین بعنوان یکی از مهمترین شاخص سرمایه اجتماعی در بعد از انقلاب نشان می دهد که در چهار مقطع 1371، 1373، 1356، 1365 ابتدا (از مقطع اول به دوم) افزایش یافته و سپس به شدت کاهش یافته است (رفیع پور، 1378). در پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان سال 1379 و سال 1382 از پاسخگویان خواسته شده بود تا میزان اعتماد خود را به نیروی انتظامی بیان کنند. میانگین میزان اعتماد به نیروی انتظامی در یافته های سال 79 و 82

نشان می‌دهد که در مجموع پاسخگویان به نیروی انتظامی در حد متوسط اعتماد داشته‌اند. جوانان، تحصیلکرده‌ها و طبقات بالا کمترین اعتماد را نسبت به نیروی انتظامی داشته‌اند. (ارزش‌ها و نگرش‌ها؛ 1383) در تحقیق دیگری که در سال 1384 در کل کشور انجام شده است از لحاظ میزان اعتماد به نهادهای متولی اجراء و نظارت بر قوانین کشور، میزان اعتماد به این نهادها به ترتیب عبارتند از: اعتماد به نیروی انتظامی (44/1 درصد)، قضات دادگاه‌ها (32/4 درصد)، مدیران دستگاه دولتی (16/2 درصد)، نمایندگان مجلس (23/8 درصد) و نهادهای رسمی ناظر (27/6 درصد) (ایسپا؛ 1385). این آمارها نسبت به آمارهای سال 1382 کاهش یافته است (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ 1382: 267). همچنین میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان 11 دانشگاه دولتی شهر تهران پایین رو به بالا ارزیابی شده است (وحید و دیگران، 1383). برآورد سرمایه اجتماعی در سال 1385 برای جوانان در سراسر کشور به ترتیب 34/7 کم، 33/5 متوسط، و 31/8 زیاد بوده است. در برآوردی جداگانه میزان سرمایه اجتماعی برای کل جامعه به ترتیب 38/6 کم، 34/6 درصد متوسط و 26/8 درصد هم زیاد بوده است (دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی: 1385 الف و 1385 ب).

تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی در میان استان‌های کشور نشان‌دهنده آن است که سرمایه اجتماعی از وضعیت مطلوبی در کشور برخوردار نیست. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی دارای نوسانات متعدد طی دوره 1380 و سال‌های قبل و بعد از آن که تخمین زده شده است برخوردار است. این نوسانات ناشی از مسائل سیاسی، تاریخی و فرهنگی است. اگر به دقت به روند سرمایه اجتماعی توجه کنیم متوجه می‌شویم که در بلند مدت روند خفیف نزولی داشته است. به‌طور کلی استان‌ها مرکزی نسبت به استان‌های حاشیه ای و مرزی از سطح سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند. استان فارس بیشترین و استان سیستان و بلوچستان کمترین سرمایه اجتماعی را دارا می‌باشند (سعادت، 1385). البته این موضوع بیانگر آن است که سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی اجتماعی رابطه دارد (فیروزآبادی، 1385؛ قدوسی، 1384). همه این تحقیقات بیانگر آن است که ما در ایران با فرسایش سرمایه اجتماعی و یا حتی عدم شکلگیری سرمایه اجتماعی برون‌گروهی روبرو هستیم. که این وضعیت می‌تواند موجب شکلگیری مسائل اجتماعی و یا با توجه به موضوع تحقیق قانونگریزی شود.

مطالعات مختلف روابط بین سرمایه اجتماعی منفی و انحراف را تأیید کرده‌اند (فیلد، 1386؛ لتکی، 2003؛ سالمی و کیویوری، 2006). در عین حال نظریه پردازانی چون پاتنام و فوکویاما هم به تاثیر فرسایش سرمایه اجتماعی بر انحراف اشاره کرده‌اند. بر این اساس وقتی تعلق اجتماعی افراد نسبت به جامعه سست می‌شود و فرد به سمت سرمایه اجتماعی درون گروهی گرایش می‌یابد منافع فردی و گروهی بر منافع جمع مقدم می‌شود. در این وضعیت است که قواعد اجتماعی که مبتنی بر

منافع جامعه برای حفظ نظم اجتماعی تعریف می شود از طرف افراد نادیده گرفته می شود و قانونگریزی به پدیده ای معمول در جامعه تبدیل می شود. ضعف سرمایه اجتماعی برون گروهی یا فرسایش سرمایه اجتماعی زمینه را برای تخطی از قانون در جامعه فراهم می کند. بر این اساس این مقاله به بررسی رابطه بین فرسایش سرمایه اجتماعی و قانونگریزی در شهر تهران می پردازد. این که آیا پیوندهای برون گروهی عینی ضعیف (فردگرایی افراطی و روابط غیر رسمی) و پیوندهای برون گروهی ذهنی ضعیف (بی اعتماد مدنی و عام) بر قانونگریزی تاثیر دارد؟

تعریف مفاهیم

الف - فرسایش سرمایه اجتماعی

از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه شده است (جدول شماره 1). بررسی این تعاریف نشان می دهد که «سرمایه اجتماعی ریشه در ساختارها و روابط اجتماعی در جامعه دارد. از این رو آن حاصل پیوندهای عینی (مثل مشارکت، کنترل اجتماعی) و ذهنی (مثل اعتماد، اعتقاد، اطلاعات) افراد با دیگران است». این موضوع بیانگر آن است که سرمایه اجتماعی دارای دو بعد عینی (ساختار) و ذهنی (محتوی) است.

بر اساس نوع و شکل روابطی که افراد می توانند با دیگران داشته باشند سرمایه اجتماعی به دو دسته برون و درون گروهی تقسیم می شود. سرمایه اجتماعی درون گروهی وضعیتی است که روابط عینی و ذهنی افراد بیشتر با خانواده و گروه خودی انجام می گیرد. برعکس در سرمایه اجتماعی برون گروهی این نوع روابط بیشتر معطوف به جامعه خواهد بود. فرسایش سرمایه اجتماعی آنگونه که در ادبیات آن مطرح شده است (پاتنام، 1995، 2001، فوکویاما، 1999، 2001) به ضعف پیوندهای (عینی و ذهنی) برون گروهی در جامعه اشاره دارد. این وضعیت می تواند نظم اجتماعی را با خطر مواجه ساخته و مسائل متعددی (از جمله قانونگریزی) را به همراه داشته باشد.

ب - قانونگریزی

قانونگریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می گیرد و قانونگریز کسی است که با رفتار خود بصورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می گیرد. با توجه به اینکه همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می کنند و کسانی هم هستند که دائما قوانین را نادیده می گیرند بنابراین قانونگریزی یک طیفی از رفتار است که از قانونگریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و ...) تا قانونگریزی گاهگاهی، غیرخشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و ...) را دربر می گیرد.

جدول شماره 1. تعاریف و مولفه‌های سرمایه اجتماعی توسط صاحب‌نظران مختلف

صاحب‌نظر	مولفه‌ها	تعریف سرمایه اجتماعی
کلمن 1377: 462	اطلاعات، نفوذ، کنترل، همبستگی	سرمایه اجتماعی از طریق کارکردش تعریف می‌شود. و مقوله‌ای واحد نیست. بلکه متشکل از مقوله‌های متعددی است که دو ویژگی مشترک دارند: تمامی شان از جنبه‌ای از ساختار اجتماعی تشکیل شده‌اند و همچنین تمامی آن‌ها برخی از کنش‌های افراد درون ساختار اجتماعی را تسهیل می‌نمایند.
پاتنام 1380 : 285	اعتماد، هنجارها، شبکه‌ها، پیوندهای بین افراد	وجه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد.
فوکویا؛ 11:1379	ارزش‌ها، همجاری‌های غیر رسمی مشترک بین اعضا گروه، تعاون و همکاری	مجموعه‌ای از ارزش‌ها یا هنجارهای غیر رسمی است که اعضاء یک گروه مشترکا بدان‌ها باور دارند و همکاری بین آن‌ها را مجاز می‌سازد.
بورديو 1384: 136	تعهدات، وظایف، مسئولیت‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی	سرمایه اجتماعی از تعهدات و وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی (پیوندها و روابط اجتماعی) تشکیل می‌شود که تحت شرایطی خاص قابل تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی می‌باشد و ممکن است در قالب عنوان، منزلت و نسب اجتماعی نهادینه می‌شود.
ولکاک 1998: 153 2001: 6	اطلاعات، اعتماد، هنجارهای دوسویگی، شبکه‌های اجتماعی	سرمایه اجتماعی شامل اطلاعات، اعتماد و هنجارهای دوسویه ذاتی شبکه‌های اجتماعی هر فرد است. که کنش جمعی متقابل سودمند را میسر می‌کند. سرمایه اجتماعی هنجارها و شبکه‌هایی است که کنش جمعی را میسر می‌کند.
شیلخت، 1984	کنترل اجتماعی، ارزش‌ها، کارایی، هزینه، فایده، شهروندی، قانون، قانونگرایی	بدیهی است که برای کارایی هر نظام اقتصادی بسیار مهم است که افراد از قواعد و قوانینی که چندان اجراء نمی‌شود نیز اطاعت کنند. زیرا اطاعت مردم از قوانین هزینه‌ها را کنترل می‌کند و تمایل آنان به این امر که حتی نزد خودشان شهروندانی قانونگرا به حساب آیند را افزایش می‌دهد. چنین امری ثروت اقتصادی مهمی است که می‌تواند نوعی سرمایه اجتماعی به حساب آید.

به قانونگریزی نوع اول قانونگریزی سخت¹ و به قانونگریزی نوع دوم قانونگریزی نرم² می‌گوئیم (فیروزجانیان، 1390: 385). آن‌چه که مسلم است این‌که افراد کمتری در هر جامعه مرتکب قانونگریزی از نوع اول می‌شوند در حالی که همه افراد جامعه به نوعی مرتکب قانونگریزی از نوع دوم می‌شوند. تاکید این مقاله بر نوع دوم قانونگریزی می‌باشد.

1. Hard law. evasion
2. Soft law-evasion

چارچوب نظری

سرمایه اجتماعی¹ به‌عنوان یک نظریه، قابلیت کاربرد در رشته‌ها و موضوعات مختلف را دارد. امروزه محققین در رشته‌های مختلف از این مفهوم برای تحلیل مسائل و مشکلات حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی استفاده می‌کنند. محققینی چون پاتنام (1995، 1999)، 1380، 1379، 2000، 2001)، فوکویاما (1384، 1379، 2001)، کلاس اوفه (2002، 1384)، جیمز کلمن (1384، 1377، 1988) و دیگران این مساله را به خوبی نشان داده‌اند. این محققین مسائل کلان تا خرد جامعه را از طریق به‌کارگیری نظریه سرمایه اجتماعی مورد مطالعه قرار داده‌اند. تحت تاثیر این نظریه پردازان، محققین مختلف، نظریه سرمایه اجتماعی را در حوزه‌های مختلفی چون بهداشت و سلامت (مچانیک، 1996؛ مانتانر، 2002)، توسعه (وولکاک، 1998؛ زاهر، 1998؛ مائدا، 2003؛ گرنگ، 2003) (دموکراسی (نیوتن، 2001؛ ناک، 2002؛ داوولی، 2002) و موضوعات دیگر به‌کار گرفته‌اند. اما نکته ای که در این جا باید به آن توجه کرد این است که در سال‌های اخیر این نظریه به‌عنوان نظریه‌ای در تحلیل مسائل اجتماعی به‌کار گرفته شده است. پرداختن به موضوع اطاعت یا عدم اطاعت از قوانین یکی از این موضوعات است که از طریق کاربرد این نظریه مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

مفهوم سرمایه اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای بوسیله جرم شناسان برای مطالعه جرم و بزهکاری مورد استفاده قرار گرفته است: سرمایه اجتماعی و خطر انحراف مجدد (لیو، 1991)، سرمایه اجتماعی، جرم و ماهیت انسانی (ساواج و کانازاوا، 2002)، سرمایه اجتماعی در میان زنان مجرم (رایسینگ و دیگران، 2002)، سرمایه اجتماعی و انسجام مجدد مجرمان (بازمور و اربی، 2003)، سرمایه اجتماعی و عدالت کیفری در جهان در حال تغییر (فالکنر، 2003)، ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان آدمکشی (مسنر و دیگران، 2004) و سرمایه اجتماعی و مجازات جسمی در مدارس (اوون، 2005)، سرمایه اجتماعی و انحراف نوجوانان (سالمی و کیویوری، 2006)، اعتماد به پلیس (پاپیو و کاراینین، 2007)، ترس از جرم و سرمایه اجتماعی (فرگوسن و میندل، 2007). این‌ها نمونه‌هایی از تحقیقاتی است که با استفاده از نظریه سرمایه اجتماعی برای تحلیل انحراف انجام شده است. اساس همه این مطالعات آن است که عدم شکلگیری یا ضعف سرمایه اجتماعی جدید موجب انحراف افراد از قوانین در جامعه می‌گردد. این نشاندهنده آن است که امروزه سرمایه اجتماعی جایگاه مهمی را در تحلیل مسائل اجتماعی و انحراف در جامعه شناسی پیدا کرده است.

روبرت پاتنام¹ یکی از مهمترین نظریه پردازان در حوزه سرمایه اجتماعی است. پاتنام در آثار متعدد خود به بحث از افول و یا فرسایش سرمایه اجتماعی می‌پردازد (پاتنام؛ 1380، 1996، 2001، 1999، 1995). او در کتاب خود «دموکراسی و سنت‌های مدنی» (1380) به نحوه تاثیر گذاری سرمایه اجتماعی بر رژیم های سیاسی و نهادها مدنی می‌پردازد. اما با انتشار کتاب «بولینگ یکنفره²» (پاتنام، 2001) به طور جدی به بحث افول سرمایه اجتماعی می‌پردازد. پاتنام در این کتاب با مقایسه دوره ای مولفه های سرمایه اجتماعی چون مشارکت انتخاباتی، اعتماد، پیوندهای مذهبی، شرکت در انجمن اولیا و مربیان و عضویت‌های مدنی و دوستانه در آمریکا به این نتیجه می‌رسد که سرمایه اجتماعی در آمریکا در سال‌های اخیر نسبت به دهه‌های قبل کاهش یافته است. او که این کتاب را بر اساس مقاله‌ای با همین عنوان که در سال 1995 نوشته است (پاتنام، 1995) بر این ادعا است که افول سرمایه اجتماعی جامعه آمریکا را با شهروندانی درونگرا و کمتر مشارکت جو در زندگی اجتماعی مواجه کرده است. هرچند او به طور مستقیم به پیامدهای این وضعیت اشاره نمی‌کند اما از نظر او ضعف سرمایه اجتماعی زندگی اجتماعی را با مشکلاتی از جمله افزایش جرائم روبرو خواهد کرد.

از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی (ابزار و آموزش هایی که بهره‌وری فردی را افزایش می‌دهد) به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کند. سرمایه اجتماعی سود سرمایه گذاری در زمینه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد (پاتنام؛ 1384: 95، 1380، 285). در حقیقت از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی هم تاثیرات فردی و هم تاثیرات اجتماعی دارد. افراد با سرمایه اجتماعی تلاش می‌کنند موثرتر از دیگران باشند و کنش‌های جمعی موثری انجام دهند (پاتنام، 1999: 136).

پاتنام بین دو نوع سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (ارتباط دهنده) و درون‌گروهی تفاوت قائل می‌شود. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی برای تقویت تعامل‌های خاص و انتقال همبستگی مفید است و همچنین در نقش یک نوع چسب قوی جامعه شناختی برای حفظ وفاداری درون‌گروهی قوی و تقویت هویت‌های مشخص عمل می‌کند. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی برای اتصال به ابزارها و امکانات خارجی و نشر اطلاعات مفیدند و یک بینش جامعه شناختی به وجود می‌آورند که می‌توانند هویت‌ها و تعاملات وسیع را به وجود آورد (پاتنام، 2000). بنابراین نظریه پاتنام درباره سرمایه اجتماعی شباهت‌های مشخصی با تصورات دور‌کیمی از همبستگی دارد. استفاده وی از کلماتی مثل مولد بودن و اثربخشی، این مطلب را

1. Robert Putnam
2. Single bowling

به ذهن متبادر می کند که او سرمایه اجتماعی را کارکردی می دیده است. به نظر میسر تال، پاتنام نویسنده ای چند اسلوبی است که بر تحلیل دورکیم از پیوندهای دوجانبه تکیه دارد و بر عقلانیت کنشگر که منتج از نظریه انتخاب عقلانیست تاکید دارد (فیلد، 1386: 7-56). از نظر پاتنام در جامعه ای که از سرمایه اجتماعی برخوردار است همکاری آسان تر است و از این طریق می توان بسیاری از مشکلات ساختاری جامعه چون فقر، خشونت و مسائل اجتماعی دیگر را حل کرد. اعتماد، هنجارهای همیاری و شبکه ها سه مفهوم محوری در نظریه پاتنام از سرمایه اجتماعی است.

پاتنام در بحث از اعتماد با توجه به شعاع اعتماد به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی بعضا اعتماد تعمیم یافته نیز نامیده می شود سودمند تر برای جامعه می نامد به نظر وی این نوع اعتماد، شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصا می شناسیم فراتر می برد و همکاری گسترده تر در سطح جامعه را موجب می گردد (پاتنام؛ 1380: 136).

به نظر او در هر جامعه ای (مدرن و سنتی، اقتدارگرا و دموکراتیک، فئودالی یا سرمایه داری) از طریق شبکه های رسمی و غیر رسمی ارتباطات و مبادلات بین افراد شناخته می شود. بعضی از این شبکه ها «افقی» هستند و شهروندان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می کنند اما بعضی دیگر شبکه های «عمودی» می باشند که شهروندان نابرابر را به وسیله روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب و وابستگی به هم پیوند می دهند. البته در جهان واقعی تقریبا همه شبکه ها مخلوطی از عمودی و افقی هستند. به نظر پاتنام شبکه های مشارکت مدنی از جمله انجمن های همسایگی، کانون های سرودخوانی، تعاونی ها، باشگاه های ورزشی، احزاب و غیره کنش افقی شدیدی را به نمایش می گذارند. شبکه های مشارکت مدنی یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی می باشند و هر چه این شبکه ها در جامعه متراکم تر باشند احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است. چرا که: شبکه های مشارکت مدنی هزینه های بالقوه عهد شکنی را در هر معامله ای افزایش می دهند. این شبکه ها هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می کنند. شبکه های مشارکت مدنی ارتباطات را تسهیل می کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود می بخشد. از نظر پاتنام هنجارهای همیاری یکی از مولدترین اجزاء سرمایه اجتماعی است و جوامعی که از این هنجارهای پیروی می کنند به گونه ای موثر می توانند بر فرصت طلبی فائق آمده و مشکلات عمل جمعی را حل کنند (پاتنام، 1380: 297-296).

به نظر او مشارکت مدنی بیشتر و وسیعتر از پیوندهای خانوادگی موجب تقویت همکاری در سطح اجتماع می شود. پیوندهای میان شخصی «قوی¹» (مانند خویشاوندی یا دوستی صمیمی) در تقویت

1. Strong ties

همبستگی جامعه و عمل جمعی از اهمیت کم تری نسبت به «پیوندهای ضعیف¹» (مانند آشنایی و عضویت در انجمن‌های فرعی) برخوردارند. پیوندهای ضعیف بیش از پیوندهای قوی که در گروه خاصی متمرکز هستند توان ایجاد ارتباط بین اعضای گروههای کوچک متفاوت را دارا می‌باشند. شبکه‌های انبوه افقی ولیکن جدا از هم باعث تقویت همکاری درون هر گروهی می‌شوند اما شبکه‌های مشارکت مدنی که شکافهای اجتماعی را دور می‌زنند همکاری گسترده‌تری را باعث می‌شوند (همان: 300). به نظر او منابع سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها معمولاً خودتقویت کننده و خودافزاینده هستند. دور بازتولیدکننده فضایل به تعادل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی منجر می‌شود. این ویژگیها معرف جامعه مدنی هستند. برعکس فقدان این ویژگیها در جوامع غیر مدنی نیز خصلتی خودتقویت کننده دارد. عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب و حيله، بهره‌کشی، انزوا، بی‌نظمی و رکود یکدیگر را در یک جو خفقان آور دورهای باطل تشدید می‌کنند (همان: 303).

پاتنام در بحث از عدم دخالت مدنی² در جامعه معاصر آمریکا به بحث از فرسایش سرمایه اجتماعی³ می‌پردازد. از نظر او نه تنها مشارکتهای مدنی در جامعه آمریکا در دهه 1960 به بعد نسبت به گذشته رو به افول رفته است این تاثیر در فعالیتهای اجتماعی غیر رسمی هم مشاهده می‌شود. از نظر او تاثیر این فرسایش در تغییر رفتار از جمله تمایل فزاینده رانندگان به عبور از چراغ قرمز و افزایش جرائم قابل مشاهده است (پاتنام، 1999: 152-148). او در تحقیقی که در رابطه با اندازه گیری سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن در 50 ایالت آمریکا انجام می‌دهد افول سرمایه اجتماعی (عضویت رسمی، مشارکت در سازمان‌های مدنی، سطح اعتماد) در دهه های اخیر در آمریکا را مورد تأیید قرار می‌دهد. از نظر او بین فرسایش سرمایه اجتماعی و سطح جرم، فرار از مالیات و نابرابریهای مدنی و اقتصادی رابطه وجود دارد. به نظر او جرم به شکل بسیار قوی و بطور معکوس با سرمایه اجتماعی پیشبینی می‌شود. مثلاً میزان قتل با میزان پایین سرمایه اجتماعی در برخی ایالات در رابطه است. در ایالت‌هایی که سرمایه اجتماعی بالاتری داشته اند میزان قتل کمتر می‌باشد. همچنین در ایالت‌هایی که سرمایه اجتماعی بالاتری داشته‌اند مردم کمتر ستیزه گر می‌باشند. این موضوع در رابطه با فرار از مالیات و گریز از قانون هم صادق است. در جاهایی که مردم دخالت‌های مدنی بیشتری برخوردارند بیشتر قوانین را رعایت می‌کنند. همچنین در ایالت‌هایی که شاخصهای سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار هستند نابرابریهای مدنی و اقتصادی کمتر است (پاتنام، 2001: 51-41). به تعبیر دیگر بدون وجود هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی خانواده‌گرایی غیر اخلاقی، حامی پروری،

1. Weak ties
2. Civic disengagement
3. Erosion of social capital

قانونشکنی، حکومت ناکارآمد و رکود اقتصادی محتمل‌تر از دموکراتیزاسیون موفقیت آمیز و توسعه اقتصادی به نظر می‌رسد (پاتنام، 1380: 341). در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که هرچند از نظر پاتنام تاثیر درونی سرمایه اجتماعی بر جامعه مدنی و گسترش دموکراسی، افزایش شهروندانی با جهت‌گیری معطوف به اجتماع و قانون مدار می باشد که با دولت بهتر همکاری می‌کنند (توسلی؛ 1384: 20). اما فرسایش سرمایه اجتماعی می‌تواند هم برای فرد و هم برای جامعه نتایج زیانباری را برجای گذارد. یکی از این نتایج نادیده گرفتن قانون از طرف افرادی است که از سرمایه اجتماعی پایینی برخوردارند. به هر حال نظریه پاتنام توسط محققین دیگر برای بررسی مسائل اجتماعی به خصوص انحرافات مورد استفاده قرار گرفته است (نوریس؛ 1996، مانتانر؛ 2002، مسنر؛ 2004).

پاتنام هم در مقاله و هم در کتاب بولینگ یک نفره، ضمن رد نظریه های محافظه کار و لیبرال چپ درباره فرسایش سرمایه اجتماعی چهار دلیل را بعنوان عامل فرسایش سرمایه اجتماعی در آمریکا بر می شمارد. اول، مشغولیت کامل و فشارهای مربوط به خانواده های دو شغلی، زمان و سایر منابعی که افراد (زنان و مردان) می‌توانند به مشارکت اجتماعی اختصاص دهند کاهش داده است. او عامل دوم را «جریمه مدنی پراکنده نشینی» می‌نامد که به نظر او افراد در شهرهای بزرگ برای رفتن از جایی به جای دیگر زمان زیادی صرف می‌کنند و بنابراین پیوندهایشان چندپاره تر می‌شود. او این دو عامل را در فرسایش سرمایه اجتماعی فرعی می‌داند. عامل سوم سرگرمی های الکترونیکی خانگی است. داده های او اینطور نشان می‌دهد که کسانی که خیلی تلویزیون تماشا می‌کنند از زندگی مدنی بیرون افتاده‌اند و زمان کمی با دوستان و یا حتی خانواده می‌گذرانند. او عامل چهارم را تغییر نسلی می‌نامد. به نظر او نسل اجتماعی فوق العاده نیمه اول قرن بیستم به طور بی توجهی در حال جایگزین شدن با کسانی است که دارای تفکراتی غیر اجتماعی تر هستند (پاتنام؛ 1995: 3-72، 2001).

مدل مورد نظر پاتنام درباره فرسایش قاطع سرمایه اجتماعی مورد نقد قرار گرفته است (فوکویاما؛ 1379: 118؛ فیلد؛ 1386: 63، پاکستون؛ 1999، هال؛ 1999). فرانسیس فوکویاما¹ از جمله سرشناسترین نظریه پردازان در حوزه سرمایه اجتماعی است. او نیز به مانند پاتنام سرمایه اجتماعی را در سطح کلان مورد مطالعه قرار می‌دهد. او در کتاب «پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن» (1997، 1379)، سرمایه اجتماعی را متعلق به گروه‌ها می‌داند نه افراد. او در این کتاب با بحث از فروپاشی بزرگ، انحرافات اجتماعی را نمادی از افول سرمایه اجتماعی در جامعه می‌داند. اما او در کتاب جداگانه‌ای تحت عنوان «فروپاشی بزرگ»² ماهیت انسانی و بازسازی نظم اجتماعی (1999) «

1. Fransisfokoyama
2. Great disruption

به‌طور مشخص درباره هنجارها و ارزش‌های اجتماعی بحث می‌کند. به نظر او از اوایل دهه 1960 تا اوایل دهه 1990 بیشتر کشورهای غربی شاهد فروپاشی‌ای در نظم اجتماعی بوده‌اند. به نظر او این فروپاشی بزرگ به سه شکل خود را نشان داده است: اول افزایش در میزان جرم، دوم افول در اعتماد بین شخصی و سوم اضمحلال خانواده.

فوکویاما ضمن نقد شیوه پاتنام برای اثبات فرسایش سرمایه اجتماعی در آمریکا، روش جایگزینی را پیشنهاد می‌کند. به نظر او به جای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی به عبارتی یا به عبارت دیگری انحرافات اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و موارد مشابه را به روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند انحرافات اجتماعی نیز بالفعل بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (فوکویاما، 1379: 19، 2001: 16-12). او برای توضیح تاثیرات سرمایه اجتماعی بر جامعه از شکل پیوندهای اجتماعی (درون-برون گروهی) و شکل‌گیری شعاع اعتماد حرف می‌زند. به نظر او نحوه ارتباط با افراد خارج از گروه بر ذخیره سرمایه اجتماعی در یک جامعه تاثیر گذار است. پیوندهای مستحکم اخلاقی در داخل یک گروه در بعضی از موارد باعث کاهش میزان اعتماد اعضای آن گروه با افراد خارج از گروه و کاهش همکاری موثر با آنها می‌شود. پیوندهای درونگروهی می‌تواند روابط برونگروهی منفی ایجاد کند که می‌توان آن را شعاع بی‌اعتمادی نامید. هرچقدر این شعاع بی‌اعتمادی بیشتر باشد آن گروه موانع بیشتری نسبت به جامعه پیرامون خود به وجود می‌آورد تا جائیکه می‌تواند موجب نفرت و خشونت نسبت به افراد خارج از گروه شود (فوکویاما، 1379: 127-126). اتفاقی از این نوع از نظر فرهنگی موجب تقویت انگیزه فساد می‌شود: در جوامعی از این نوع آن‌که تبدیل به مقام دولتی شده خود را محق می‌داند به نیابت خانواده مرتکب دزدی از اموال دولت شود (فوکویاما، 1384: 174). به نظر فوکویاما سطح پایین سرمایه اجتماعی منجر به یکسری کژکارکردهای سیاسی مثل بوجود آمدن نظام‌های سیاسی غیرپاسخگو ناکارآمد و نظام‌های اخلاقی دولایه در جامعه می‌شود. به نظر او نتیجه این وضعیت شکل‌گیری فساد در جامعه است. او راه حل این وضعیت را افزایش ظرفیت سرمایه اجتماعی در جامعه می‌داند اما از آن‌جا که سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی است یا باید سازمان دولتی (مثل حراست از حقوق، آموزش و دفاع) یا عاملی غیر دولتی از قبیل کلیسا یا یک انجمن داوطلب آن را عرضه کرد (فوکویاما، 2001: 19-20).

در مجموع می‌توان گفت که به نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی برای نظم اجتماعی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. چرا که وجود بسیاری از مسائل در جامعه را نشانه‌ای از عدم یا ضعف سرمایه

اجتماعی در جامعه می‌داند. او به تاسی از پاتنام به فواید سرمایه اجتماعی در توسعه و حل مشکلات جامعه و در عین حال به مسائل متعدد در نتیجه فرسایش سرمایه اجتماعی تاکید دارند. آن‌چه که از مطالب نظری بر می‌آید این است که سرمایه اجتماعی حاصل روابط اجتماعی بین افراد جامعه است که این امر موجب شکل‌گیری نوعی همبستگی، تعهد و التزام، اعتماد، آگاهی و مشارکت افراد نسبت به جامعه خواهد شد. مساله‌ای که در اینجا باید به آن توجه کرد این است که سرمایه اجتماعی همیشه برای جامعه دارای کارکرد مطلوب نخواهد بود. چرا که روابط اجتماعی می‌تواند به صورت درون گروهی و یا بین گروهی مطرح باشد. زمانی که سرمایه اجتماعی حالت درون گروهی به خود می‌گیرد سود سرمایه اجتماعی به گروه و افراد گروه می‌رسد و این آسیب‌هایی را برای جامعه به همراه خواهد داشت چرا که در بسیاری مواقع افراد با استفاده از این سرمایه به دنبال منافع فردی و گروهی خود بوده و این کار را با هزینه اجتماع انجام می‌دهند. اما زمانی که سرمایه اجتماعی حالت بین گروهی به خود می‌گیرد سود حاصل از این روابط به تمام جامعه خواهد رسید. به هر حال با توجه به آنچه در صفحات پیشین آمده است در ایران یا سرمایه اجتماعی جدید شکل نگرفته و یا اینکه سرمایه اجتماعی شکل گرفته شده در سطح پایینی قرار دارد. این وضعیت را می‌توان از طریق مفهوم ضعف رابطه عینی و ذهنی نشان داد. در حقیقت در وضعیت فرسایش سرمایه اجتماعی به نوعی با ضعف پیوندهای عینی و ذهنی (برونگروهی) در جامعه روبرو هستیم. و یا این که سرمایه اجتماعی چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ کمی تضعیف می‌گردد. در این حالت افراد نسبت به جامعه بی اعتماد گشته، تعهد و همبستگی آن‌ها نسبت به جامعه کم شده، مشارکت اجتماعی آنها کم شده و در جهت درون گروهی متمایل شده، کنش‌ها به سوی نفع شخصی و فردگرایی هدایت شده و خلاصه این که نوعی بی‌قیدی اجتماعی در جامعه رواج می‌یابد. بنابراین در نتیجه فرسایش سرمایه اجتماعی نوعی قانون‌گریزی در جامعه اتفاق می‌افتد. که این برای نظم اجتماعی مفید نخواهد بود.

روش شناسی تحقیق

1- روش تحقیق

این تحقیق به روش پیمایشی انجام می‌شود. هرچند در پیمایش عمدتاً از پرسش‌نامه استفاده می‌شود اما فنون دیگری از قبیل مصاحبه عمیق و مصاحبه ساختمند، مشاهده، تحلیل محتوی و جز این‌ها هم بکار می‌روند. ویژگی‌های بارز پیمایش عبارتند از شیوه گردآوری داده‌ها و روش تحلیل آن‌ها (دواس، 1376: 13). این تحقیق از نوع کاربردی و در سطح خرد می‌باشد.

2- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق کلیه زنان و مردان بالای 24 سال¹ در شهر تهران می‌باشد. در حقیقت جامعه آماری تحقیق شهروندان تهرانی می‌باشند و محدوده آن هم شهر تهران می‌باشد. در حقیقت افراد بالای 24 سال واحد آماری این تحقیق هستند. حجم نمونه با توجه به امکانات تحقیق (ملاحظات زمانی و مالی) 400 نفر انتخاب خواهد شد.

3- روش نمونه‌گیری

واحد مشاهده و سطح تحلیل در این تحقیق فرد می‌باشد. از آنجا که جامعه آماری بسیار وسیع می‌باشد نمونه‌گیری از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای² انجام می‌شود در این تحقیق با توجه به این‌که محدوده تحقیق در شهر بزرگ تهران بوده است ابتدا مناطق 22 گانه تهران به چهار خوشه (شرق - غرب و شمال - جنوب) از مناطق تهران تقسیم شده است. بعد به صورت تصادفی دو منطقه از هر خوشه انتخاب شده است. بنابراین نمونه از 8 منطقه در چهار خوشه انتخاب شده است. بر این اساس برای هر منطقه 50 نمونه در نظر گرفته شده است. در داخل هر منطقه انتخاب شده بلوک و بعد از آن خانوار مورد انتخاب قرار گرفته و بعد نمونه مورد نظر در خانوار انتخاب شده است.

4- ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این تحقیق داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شده است. بعد از این‌که پرسشنامه اولیه طراحی گردید. از طریق اعتبار صوری به تکمیل و تصحیح پرسشنامه از نظر داوران متخصص پرداخته شد. همچنین برای تعیین روایی، پرسشنامه در بین 50 نمونه مورد آزمون قرار گرفت و با حذف برخی سوالات که همبستگی درونی پایینی با کل شاخص مورد نظر داشتند پرسش‌نامه نهایی تدوین گردید.

5- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

بعد از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها از طریق دو نرم‌افزار spss و Amos مورد تحلیل قرار گرفت. برای توصیف متغیرها از آماره فراوانی استفاده شده و برای آزمون فرضیات نیز با توجه به سطح سنجش

1. دلیل اصلی انتخاب سن بالای 24 سال این بوده است که در این تحقیق تلاش شد تا از افرادی اطلاعات جمع‌آوری گردد که مسئولیت اجتماعی بیشتری در اختیار داشته باشند تا بهتر بتوانند درباره تجربه قانونگریزی و سوالات دیگر پاسخ گویند.

2. Multi-stage sampling

متغیرها از مقایسه میانگین‌ها و پیرسون استفاده گردید. برای آزمون مدل نظری نیز از نرم افزار اموس استفاده گردید.

6- تعریف متغیرها

الف- تعریف متغیر وابسته

متغیر وابسته در این تحقیق قانون‌گریزی است. قانون‌گریزی در این تحقیق به دو بعد تقسیم می‌شود: 1- قانون‌گریزی ذهنی 2- قانون‌گریزی عینی. هرچند هر دو بعد قانون‌گریزی در این تحقیق در رابطه با متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفت. اما در تحلیل نهایی قانون‌گریزی عینی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. چرا که فرض این تحقیق بر آن است که رفتار قانون‌گریزانه تحت تاثیر نگرش قانون‌گریزانه (قانون‌گریزی ذهنی) است. با این توضیح تعریف دو نوع قانون‌گریزی در زیر آمده است.

1- قانون‌گریزی ذهنی¹

قانون‌گریزی ذهنی نوعی جهت‌گیری و نگرش نسبت به هنجارهای قانونی است که بر اساس آن فرد عدم پیروی از این هنجارها را بر پیروی ترجیح می‌دهد. قانون‌گریزی ذهنی نوعی ارزیابی از فایده یا عدم فایده مندی اطاعت از قانون است. در حقیقت نوع جهت‌گیری به قانون است که فرد فایده عدم اطاعت از قانون را به اطاعت از آن ترجیح می‌دهد. فرد این جهت‌گیری را تحت تاثیر شرایط محیطی اتخاذ می‌کند. باید توجه داشت تا فرد ارزیابی منفی از قانون‌گرایی نداشته باشد قانون‌گریزی نمی‌کند. وقتی فرد می‌بیند که در جامعه قانون‌گریزی رواج دارد و از طریق قانون‌گریزی بهتر می‌شود به اهداف خود رسید فایده‌ای برای قانونمندی نمی‌بیند.

2- قانون‌گریزی عینی²

قانون‌گریزی عینی همان انجام قانون‌گریزی در عمل است. در حقیقت قانون‌گریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می‌گیرد و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. با توجه به این که همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که دائماً قوانین را نادیده می‌گیرند بنابراین قانون‌گریزی یک طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و ...) تا قانون‌گریزی گاهگاهی، غیر خشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و ...) را دربر می‌گیرد. آنچه که مسلم است این که همه افراد جامعه به نوعی مرتکب قانون‌گریزی از نوع دوم (قانون‌گریزی نرم) می‌شوند. در این تحقیق این نوع قانون‌گریزی مدنظر می‌باشد. برای سنجش

1. Subjective law-evasion

2. Objective law-evasion

قانونگریزی عینی شاخصی با 17 سوال (جدول 3) ساخته شده است و میزان انجام رفتار از پاسخگو مورد سوال قرار گرفته است.

جدول شماره 3. انواع تعریف و شاخص‌های متغیر وابسته (قانونگریزی)

قانونگریزی	تعریف	شاخص‌ها و سوالات
قانونگریزی ذهنی (نگرش قانونگریزانه)	قانونگریزی ذهنی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی است که بر اساس آن فرد عدم پیروی از این هنجارها را بر پیروی از آنها ترجیح می‌دهد	این‌که در هر حال باید از قانون اطاعت کرد، این‌که رعایت قانون باعث پیشرفت یا عقب ماندن آدم می‌شود. قانون هرچه باشد باید اطاعت کرد، کسانی که قانون را رعایت نمی‌کنند سریعتر و راحتتر به اهدافشان می‌رسند. وقتی دیگران قانون را رعایت نمی‌کنند لازم نیست من از آن اطاعت کنم. هر وقت قانون را رعایت کردم به آنچه خواستم رسیدم.
قانونگریزی عینی (رفتار قانونگریزانه)	قانونگریزی عینی همان انجام قانونگریزی در عمل است. در حقیقت قانونگریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می‌گیرد	عدم پرداخت به موقع مالیات یا عوارض، عدم رعایت قوانین رانندگی، دادن رشوه به مامور دولت، کپی از نوارهای صوتی و تصویری، رانندگی بدون گواهی‌نامه، جعل یا دستکاری نامه یا متن اداری آسیب رساندن به اموال عمومی، کشیدن چک بی‌محل، خرید کالای قاچاق

ب- تعریف متغیرهای مستقل

1- متغیرهای زمینه‌ای

در این تحقیق علاوه بر آزمون مدل تحقیق به بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و قانونگریزی هم پرداخته شد. این متغیرها عبارتند از: سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تاهل، نوع شغل، وضعیت اقتصادی

2- عدم اعتماد¹

اعتماد را می‌توان به عنوان اطمینان به اعتماد پذیری یک شخص یا نظام با توجه به یک رشته پیامدها یا رویدادهای معین تعریف کرد در آنجا که این اطمینان، ایمان به صداقت یا عشق به دیگری و یا صحت اصول انتزاعی را بیان کند (گیدنز: 1377: 42). در حقیقت اعتماد به نوعی حسن ظن فرد به دیگران است که از طریق ارتباط اجتماعی حاصل می‌شود. و عدم اعتماد هم سوء ظن فرد به دیگران است. این سوء ظن می‌تواند بر رفتار انحرافی (قانونگریزی) تاثیر مستقیم داشته باشد. در اینجا دو نوع بی‌اعتمادی مورد تاکید می‌باشد:

الف: عدم اعتماد تعمیم یافته (عام)²

اعتماد تعمیم یافته بیانگر حسن ظن نسبت افراد جامعه جدای از تعلق آنان به گروه‌های قومی و یا خودی است. این نوع اعتماد از محدوده اعتماد بین فردی فراتر رفته و جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند را دربر می‌گیرد. این نوع اعتماد همان اعتماد به غریبه‌هاست. عدم اعتماد تعمیم یافته (عام) هم به معنی سوء ظن نسبت به افراد جامعه در زمینه پیروی از قانون است. هرگاه افراد به مردم جامعه در زمینه اطاعت از قانون اعتماد نداشته باشند خود نیز تمایلی در اطاعت از قانون نمی‌دهند. در حقیقت عدم اعتماد به دیگران و عدم اطمینان به افراد دیگر جامعه بخصوص در زمینه اطاعت از قانون موجب گرایش یا عمل افراد به قانونگریزی می‌شود.

ب- عدم اعتماد مدنی³

اعتماد مدنی همان اعتماد به سازمان‌ها و نهادهای موجود در جامعه است. و عدم اعتماد عام در این تحقیق به معنی عدم اعتماد و سوء ظن نسبت به مجریان قانون و قانونگذاران در رابطه اطاعت از قانون است. بی‌اعتمادی افراد به نهادها و ماموران دولتی بر رفتار آنان در زمینه اطاعت از قوانین تاثیر منفی دارد. در اینجا اعتماد مردم بیشتر به افرادی که اختصاصا در ارتباط با قانونگذاری و اجراء قانون هستند مد نظر می‌باشد. از این رو میزان بی‌اعتمادی پاسخگویان به پلیس و نیروی انتظامی، قضات دادگاه‌ها، مدیران دستگاه‌های دولتی، نمایندگان مجلس، کارکنان ادارات دولتی، کارکنان نهادهای نظارتی (دیوان محاسبات، بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری و)، کارکنان شهرداری مورد پرسش قرار گرفته است.

1 Distrust

2. Generalized distrust

3. Civil distrust

3- فردگرایی

فردگرایی (افراطی)¹ به معنای ترجیح نفع شخصی نسبت به نفع جمعی است. در این نوع فردگرایی، فرد نفع خود را حتی به ضرر جامعه ترجیح می‌دهد. در این تحقیق فردگرایی به دو شکل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف - پنداشت از فردگرایی در جامعه

فردگرایی در جامعه به معنی ترجیح منافع فردی به منافع جمع در جامعه از منظر پاسخگویان است. در اینجا پنداشت میزان فردگرایی در جامعه از منظر پاسخگویان مورد سنجش قرار می‌گیرد. هرچه پاسخگویان افراد جامعه را فردگرا تر بدانند این امر بر گرایش و عمل قانونگیرانه آن‌ها تاثیر مثبت داشته و موجب قانونگریزی آنها می‌شود.

ب- فردگرایی افراطی فرد

فردگرایی افراطی فرد ترجیح نفع شخصی توسط فرد به ضرر منافع جامعه است. در این وضعیت فرد دچار نوعی خودخواهی می‌شود. در اینجا سطح فردگرایی پاسخگو مورد سنجش قرار می‌گیرد. هرچه فرد، فردگراتر باشد احتمال قانونگریزی او نیز بیشتر است.

4- روابط

روابط یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است. این روابط یعنی ساختار شبکه‌های عینی که افراد را به یکدیگر مرتبط کند. این مولفه نشان می‌دهد که افراد در فضای اجتماعی به هم مرتبطند. انواع روابط رسمی و غیر رسمی را می‌توان جزء پیوندهای عینی سرمایه اجتماعی در نظر گرفت. در این تحقیق روابط به دو صورت مورد آزمون قرار گرفت:

الف - روابط رسمی (مدنی)

این نوع روابط اشاره به پیوند و ارتباط فرد با شبکه‌های اجتماعی و رسمی جامعه دارد. این نوع سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد میان افراد در میان گروه‌های مختلف در جامعه است. در حقیقت در این جا افراد با دیگرانی از بیرون گروه خود بر اساس منافع عام و متقابل رفتار می‌کنند. به همین خاطر به آن سرمایه اجتماعی برون گروهی هم می‌گویند. این دیگران همان انجمن‌ها، نهادها و تشکل‌های رسمی و مدنی جامعه است که فرد با آن‌ها رابطه داشته و یا در آنها عضو می‌باشد. هرچه فرد روابط مدنی بیشتری با جامعه داشته باشد پایداری بیشتری نسبت به هنجارهای اجتماعی داشته و کمتر قانون را نادیده می‌گیرد. اما روابط مدنی ضعیف به معنی پیوند عینی ضعیف فرد با جامعه بوده، که طبعاً شرایط را برای انحراف افراد از قوانین در جامعه فراهم می‌کند.

1. Rugged individualism

ب- روابط غیر رسمی

این نوع روابط اشاره به پیوند فرد با شبکه‌های خانوادگی، خویشاوندی دوستی و محلی دارد. در حقیقت روابط غیر رسمی اشاره به سرمایه اجتماعی درون گروهی افراد در جامعه دارد. این نوع سرمایه اجتماعی با قانونگریزی رابطه مستقیم دارد.

یافته‌های پژوهش

1- توصیف اجمالی نمونه

اطلاعات در این تحقیق از بین 400 نفر از شهروندان بالای 24 سال شهر تهران جمع آوری گردیده است که 53/3 درصد آنان زن (213 نفر) و 46/8 درصد (182 نفر) هم مرد بوده‌اند. همچنین میانگین سنی افراد 36 سال بوده و پایینترین سن 24 سال و بالاترین سن نیز 83 سال بوده است. به لحاظ وضعیت تاهل 37/8 درصد مجرد و 59/8 درصد هم متاهل بوده‌اند و 2/3 درصد دیگر هم بدن همسر بوده‌اند. در رابطه با تحصیلات هم افراد با تحصیلات دیپلم با 30 درصد (120 نفر) بیشترین افراد نمونه و بیسوادها با 1/8 درصد کمترین افراد نمونه را تشکیل می‌دهند.

بیشتر پاسخگویان (56/5 درصد) وضعیت اقتصادی خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند. 3/3 هم وضعیت اقتصادی خود را خیلی خوب ارزیابی کرده و تنها 5/8 درصد وضعیت اقتصادی خود را خیلی بد ارزیابی کرده‌اند. میانگین درآمد خانواده پاسخگویان 652 هزار تومان و میانگین درآمد افراد 460 هزار تومان بوده است. همچنین به لحاظ نوع شغل هم در بین کسانی که به سوال پاسخ داده‌اند 28/3 درصد کارمند و 19/5 درصد هم دارای شغل آزاد بوده‌اند. همچنین 51/3 درصد از نمونه مورد مطالعه بخاط نادیده گرفتن قانون جریمه شده‌اند. از بین پاسخدهندگان به سوال، 3 درصد یکبار، 8/5 درصد دو بار، 7/8 درصد سه بار و 16/3 درصد هم بیش از سه بار جریمه شده‌اند.

2- تبیین یافته‌ها

بعد از آماده سازی اطلاعات روابط بین متغیرهای وابسته و مستقل از طریق دو نرم افزار SPSS و Amos مورد بررسی قرار گرفت. فرضیات تحقیق از طریق آماره‌های مقایسه میانگین‌ها (آزمون T) و پیرسون مورد آزمون قرار گرفت. که نتایج آن در دو جدول شماره 4 و 5 آمده است.

جدول شماره 4. آزمون تفاوت میانگین‌های قانونگریزینی بر حسب متغیرهای مستقل

سطح معنی داری	میزان T	انحراف معیار	میانگین قانونگریزی	فراوانی	متغیرها	
0/00	-3/26	9/22	27/85	156	زن	جنسیت
		10/57	31/54	151	مرد	
0/00	5.11	11.1367	33.529	117	مجرد	وضعیت تاهل
		8.6344	27.342	184	متاهل	
0/00	-2.82	9.1425	28.505	97	کارمند	نوع شغل
		12.1536	33.426	68	آزاد	

بر اساس اطلاعات جدول شماره 4 بین میانگین‌های قانونگریزی مقوله‌های جنسیت، وضعیت تاهل و نوع شغل تفاوت معنی داری وجود دارد. مردان بیشتر از زنان رفتار قانونگریزانه دارند. این در حالی است که بر اساس جهت‌گیری قانونگریزانه تفاوتی بین زنان و مردان مشاهده نشده است. همچنین بر اساس میزان میانگین مجردها قانونگریزتر از افراد متاهل می‌باشند. این موضوع در مورد جهت‌گیری قانونگریزانه هم صادق می‌باشد. نکته قابل توجه در بررسی میانگین‌های قانونگریزی بر اساس نوع شغل می‌باشد بدین معنی که افرادی که کارمند هستند نسبت به افراد با شغل آزاد رفتار قانونگریزانه کمتری دارند. که این موضوع در مورد جهت‌گیری قانونگریزانه هم صادق می‌باشد. به نظر می‌رسد وابستگی‌های سازمانی-شغلی در این امر تاثیر دارد.

جدول شماره 5. آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و قانونگریزی

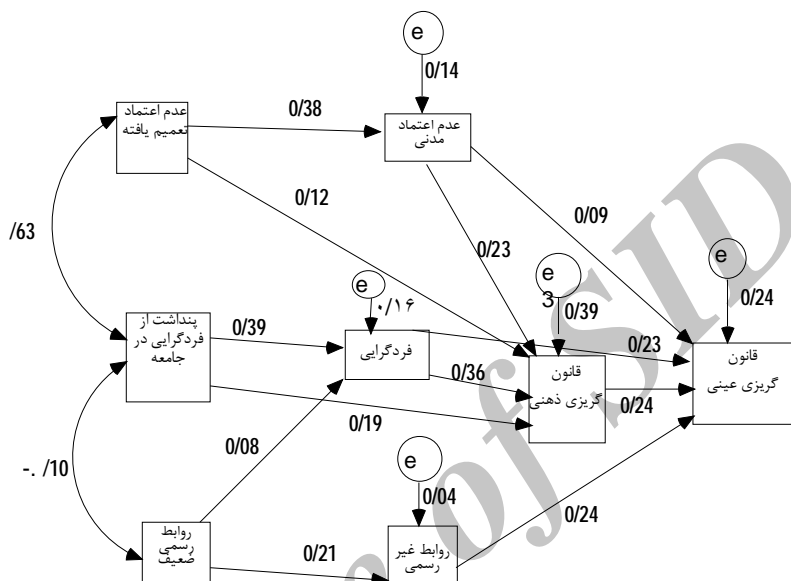
سطح معنی داری	قانونگریزی ذهنی	سطح معنی داری	قانونگریزی عینی	متغیرهای مستقل
0/01	-0/15	0/00	-0/23	سن
0/00	-0/22	0/00	-0/21	تحصیلات
0/05	-0/18	0/02	-0/25	وضعیت اقتصادی
0/00	0/52	0/00	0/24	پنداشت از فردگرایی در جامعه
0/00	0/42	0/00	0/24	عدم اعتماد تعمیم یافته
0/00	0/49	0/00	0/32	عدم اعتماد مدنی
0/00	0/53	0/00	0/36	فردگرایی افراطی فرد
0/00	-0/16	0/00	0/20	روابط رسمی ضعیف
0/27	-0/06	0/00	0/23	روابط غیر رسمی

جدول شماره 5 همبستگی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته می‌باشد. در این جدول، همبستگی این متغیرها با قانونگریزی ذهنی، به‌عنوان متغیر وابسته دوم مورد بررسی قرار گرفته است. همان‌گونه که از جدول پیداست به‌جز یک متغیر (روابط غیر رسمی) همبستگی سایر متغیرها با متغیرهای وابسته معنی دار بوده است. هرچند که جهت رابطه برخی متغیرها مستقیم و برخی دیگر معکوس می‌باشد. نکته دیگر اینکه میزان همبستگی بین متغیرهای اصلی تحقیق و قانونگریزی ذهنی (جهتگیری قانونگریزانه) بیشتر از قانونگریزی عینی است. این بدان معنی است که افراد شاید در نظر دارای نگرش منفی نسبت به قانون و رعایت آن باشند اما در عمل به دلایل مختلف (مثلاً هزینه بالای قانونگریزی، نبودن فرصت قانونگریزی) از قانونگریزی صرف نظر می‌کنند.

همان‌گونه که آمد در این تحقیق بر اساس نرم افزار AMOS روابط بین متغیرهای مستقل و تاثیرشان بر متغیر وابسته به‌صورت مدلی تجربی ارائه گردید. مدل تجربی زیر نشان می‌دهد که چهار متغیر (قانونگریزی ذهنی، عدم اعتماد مدنی، فردگرایی، روابط غیر رسمی) به‌عنوان متغیرهای میانی به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم بر قانونگریزی تاثیر دارند. بیشترین تاثیر مستقیم مربوط به قانونگریزی ذهنی است که در این مدل به‌عنوان متغیر مستقل میانی آمده است. در حقیقت افراد تا جهتگیری قانونگریزانه نداشته باشند رفتار خلاف قانون از آن‌ها سر نمی‌زند. به همین دلیل جهتگیری قانونگریزانه قبل از رفتار قانونگریزانه قرار گرفته است. تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل در جدول شماره (3) آمده است. ضریب تعیین مدل 0/25 می‌باشد.

جدول شماره 6 تاثیرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای بیرونی و درونی (مستقل) بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول آمده است جهتگیری قانونگریزانه و روابط غیر رسمی بیشترین تاثیر مستقیم را بر قانونگریزی دارند. همچنین پنداشت از فردگرایی در جامعه (فردگرایی جامعه) بیشترین تاثیر غیر مستقیم بر متغیر وابسته دارد. همچنین فردگرایی با اثر کل (0/32) بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته دارد. در عین حال ضریب تعیین مدل 0/25 می‌باشد. یعنی متغیرهای داخل مدل 25 درصد از تغییرات قانونگریزی را تبیین کرده است.

مدل تجربی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته



جدول شماره 6. اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل میانی و بیرونی بر متغیر وابسته (قانون‌گزینی عینی)

جدول شماره 7. اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل میانی و بیرونی بر متغیر وابسته (قانون‌گزینی ذهنی)

نام متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
قانون‌گزینی ذهنی (جهتگیری قانون‌گزیزانه)	0/24		0/24
فردگرایی	0/23	0/09	0/32
پنداشت از فردگرایی در جامعه		0/17	0/17
عدم اعتماد مدنی	0/09	0/06	0/15
عدم اعتماد عام		0/09	0/09
روابط رسمی ضعیف		0/03	0/03
روابط رسمی غیر رسمی	0/24		0/24

جدول شماره 7 تاثیرات مختلف متغیرهای مستقل بر قانونگریزی ذهنی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که از جدول پیداست بیشترین تاثیر مربوط به متغیر فردگرایی بوده و کمترین تاثیر هم مربوط به روابط رسمی است. با مقایسه این جدول با جدول قبلی مشخص می‌شود که تاثیرات کل متغیرهای مستقل در این جدول بیشتر از جدول قبلی است. ضریب تعیین مدل برابر با 0/40 می‌باشد. این بدان معنی است که تاثیرات متغیرهای مستقل بر جهتگیری قانونگریزانه بیشتر از رفتار قانونگریزانه است.

بحث و نتیجه گیری

قانونگریزی به‌عنوان مهمترین آسیب نظم اجتماعی در هر جامعه ای با اندازه های مختلفی وجود دارد. نوع قانونگریزی را به لحاظ شدت و نوع تاثیرگذاری آن می‌توان به دو نوع سخت و نرم تقسیم کرد. هرچند هر دو نوع آن در هر جامعه‌ای وجود دارد اما به نظر می‌رسد قانونگریزی نرم به دلیل ویژگی‌هایی که دارد از فراوانی بیشتری در کشور ما برخوردار است. هرچند عواملی مختلفی می‌تواند موجب قانونگریزی در هر جامعه‌ای گردد اما به نظر می‌رسد ضعف روابط اجتماعی یا فرسایش سرمایه اجتماعی عنصر کلیدی در انحراف افراد از هنجارهای اجتماعی است.

همان‌گونه که آمد تحقیق فوق به بررسی رابطه بین فرسایش سرمایه اجتماعی و قانونگریزی در شهر تهران می‌پردازد. به هر حال در هر جامعه ما با نوعی سرمایه اجتماعی روبرو هستیم. چرا که اساس هر جامعه ای روابط اجتماعی است. و بدون روابط اجتماعی تداوم جامعه غیر ممکن خواهد شد. در عین حال روابط اجتماعی را می‌توان اساس سرمایه اجتماعی دانست. اما نکته‌ای که باید بدان توجه داشت نوع و شکل سرمایه اجتماعی در جامعه است.

وقتی ارتباطات بین نظریه سرمایه اجتماعی و جرم شناسی مرور می‌گردد ارتباطات آشکاری در برخی از نظریه های اصلی و سنتی جرم شناسی آشکار می‌شود. به نظر می‌رسد از نظریه همبستگی دورکیم تا نظریه آنومی مرتن و نظریه فشار عمومی آگنو به بررسی روابط بین عناصر سرمایه اجتماعی و انحراف اشاره دارند. کنترل اجتماعی و پیوند اجتماعی، به‌عنوان عناصر کلیدی سرمایه اجتماعی، همچنین از عناصر اصلی نظریه پیوند اجتماعی (هیرشی) نیز هستند. از نظر هیرشی عمل بزهکارانه وقتی ناشی می‌شود که همبستگی فردی نسبت به جامعه ضعیف یا شکسته شود. وقتی همبستگی‌ها نسبت به اعضا دیگر اجتماع قوی باشد افراد مورد کنترل قرار گرفته و در نتیجه احتمال کمتری برای انحراف از قوانین وجود دارد. از نظر مک کارتی نظریه سرمایه اجتماعی می‌تواند موجب انسجام نظریه های جرم شناسانه رقیب گردد (سالمی و کیویوری؛ 2006: 126). این بدان معنی است که سرمایه

اجتماعی مفهومی کلیدی در تحلیل و تبیین انحرافات اجتماعی است. کار که چه در سطح خرد و چه در سطح کلان توسط نظریه پردازان شناخته شده سرمایه اجتماعی انجام شده است. پاتنام و فوکویاما در بررسی‌های خود به یک پیوستگی منفی قوی بین جرم‌های خشن و شاخص سرمایه اجتماعی دست پیدا کرده بود و مدعی بود که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی، در صورت برابر بودن سایر شرایط، سطوح جرم پایین تر خواهد آمد. بر اساس نظر پاتنام سرمایه اجتماعی به دو دسته درون و برون‌گروهی تقسیم می‌شود. در سرمایه اجتماعی درون گروهی پیوندهای قوی میان شخصی و در سرمایه اجتماعی برون گروهی پیوندهای ضعیف وجود دارد. آنچه که مسلم است این‌که وقتی جامعه با فرسایش سرمایه اجتماعی روبرو می‌شود پیوندهای برون گروهی سست می‌شود. در حقیقت در جوامع مدرن، این سرمایه اجتماعی برون‌گروهی است که نظم اجتماعی را برقرار می‌کند. و در وضعیت فرسایش سرمایه اجتماعی شاخصه‌های پیوندهای برون گروهی از جمله اعتماد (مدنی، عام) روابط (مشارکت رسمی- غیر رسمی) سست شده و در عوض به سمت پیوندهای درون‌گروهی میل پیدا می‌کند. در این وضعیت منافع فردی و گروهی بجای منافع جمعی ترجیح داده شده و انواع مسائل اجتماعی از جمله قانونگریزی در جامعه محتمل می‌شود.

بنابراین سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر میزان فعالیت مجرمانه در یک اجتماع در نظر گرفت. همچنین به نظر می‌رسد که سرمایه اجتماعی در تعیین احتمال روی آوردن افراد خاص به رفتار مجرمانه نقش بازی می‌کند. این بحث صرفاً مساله نحوه عملکرد اجتماع و اعضای آن نیست بلکه علاوه بر این می‌تواند رفتار سازمان‌های مجری قانون را شکل دهد. همچنین سرمایه اجتماعی می‌تواند نگرشی مثبتی نسبت به سازمان‌های مجری قانون در ذهن افراد ایجاد نماید به ویژه به این دلیل که عملکرد پلیس و سایر نهادها، در جایی که شبکه‌ها قوی هستند و سطوح همبستگی هنجاری بالاست موثر می‌باشد. سقوط شدید و ناگهانی سرمایه اجتماعی با افزایش شدید از خود بیگانگی و رفتار ضد اجتماعی مخصوصاً در بین مردان جوان همراه بوده است (فیلد، 1386: 102-100).

همان‌گونه که در این تحقیق هم مورد بررسی قرار گرفت بی‌اعتمادی افراد نسبت به نهادهای مجری و جامعه در زمینه اجرای قانون خود موجب افزایش قانونگریزی توسط آن‌ها خواهد شد. پانین موضوع در تحقیقات دیگر هم تایید شده است. «لتکی» در تحقیق خود تحت عنوان ریشه‌های اخلاقیات مدنی به بررسی تاثیر اعتماد بین شخصی (تعمیم یافته) و اعتماد به نهادها (مدنی) بر اخلاقیات مدنی در بین 25 کشور از قاره‌های مختلف می‌پردازد. به نظر او اعتماد حساب‌گرانه به دیگران و اطمینان به نهادها بر رفتار مدنی افراد تاثیر مثبت دارد. پانین موضع برای کشورهایی که دارای نهادهای دموکراتیک بوده و از فساد کمتری برخوردار هستند بیشتر مشهود است (لتکی، 2003). بر

همین اساس او ضعف جامعه سیاسی و سطوح پایین دخالت سیاسی شهروندان در کشورهای سابق کمونیستی اروپای شرقی را با سطوح پایین سرمایه اجتماعی (جامعه مدنی ضعیف و سطوح پایین اعتماد بین شخصی) مرتبط می داند (لتکی، 2004).

این در حالی است که ضعف سرمایه اجتماعی عینی برون گروهی که با کاهش مشارکت‌های مدنی همراه خواهد بود، آن گونه که توسط پاتنام در کتاب «بولینک یکنفره» توضیح داده شد، با فردگرایی و گروه گرایی همراه خواهد بود. این وضعیت پایبندی افراد به اخلاقیات مدنی را کاهش خواهد داد و موجب انحراف آن‌ها از قوانین اجتماعی می‌گردد. این موضوع در مطالعه ای که به بررسی تاثیر فردگرایی بر انحراف از قوانین رانندگی پرداخته است تأیید شده است (حافظی، 1391).

در مجموع می‌توان گفت که جوامعی از نوع جامعه ما که در وضعیت گذار قرار دارند یا سرمایه اجتماعی برون گروهی و جدید شکل نگرفته و یا اینکه همانگونه که در این تحقیق هم نشان داده شد با ضعف پیوندهای عینی و ذهنی از نوع برون گروهی آن روبرو هستیم. طبعاً در این وضعیت فردگرایی و گروه گرایی اساس روابط اجتماعی در جامعه می‌شود. اعتماد بین فردی کاهش یافته و روابط و مشارکت مدنی افراد ضعیف می‌شود. پیامد این وضعیت برای جامعه نوعی بی نظمی است که خود را به شیوه‌های مختلف نشان میدهد. یکی از آن شیوه‌ها قانونگریزی است. از اینرو شکلهی و تقویت سرمایه اجتماعی جدید راهی است برای تقویت جمع گرایی و پایبندی افراد به قواعد اجتماعی و در نهایت نظم اجتماعی. به تعبیر فوکویاما راه حل این وضعیت افزایش ظرفیت سرمایه اجتماعی در جامعه است اما از آنجا که سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی است باید توسط سازمانهای دولتی یا غیر دولتی عرضه گردد (فوکویاما؛ 2001: 19-20).

منابع

ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (1381)، یافته‌های پیمایش در 28 استان کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ایسپا (مرکز افکار سنجی دانشجویان) (1381)، بررسی نگرش شهروندان تهرانی در مورد قانون و مسائل آن در جامعه، جهاد دانشگاهی، گزارش تحقیقاتی.

ایسپا (مرکز افکار سنجی دانشجویان) (1384)، بررسی نگرش شهروندان چند شهر کشور پیرامون قانون و مسائل آن در جامعه، جهاد دانشگاهی، گزارش تحقیقاتی.

ایسپا (مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران) (1385)، کندوکاوهایی در باورها و نگرش‌های جامعه ایرانی، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

- پوردیو، پیر (1384)، *شکل‌های سرمایه، در سرمایه اجتماعی*، به کوشش کیان تاجبخش، تهران: نشر شیرازه.
- پاتنام، روبرت (1384) *جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی*، در سرمایه اجتماعی به کوشش کیان تاجبخش، تهران: نشر شیرازه.
- پاتنام، روبرت (1380)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور
- توسلی، غلام عباس و مرضیه موسوی (1384)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید، *نامه علوم اجتماعی*، شماره 26.
- دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی (1385)، *طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی (1385)، *طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی جوانان ایران*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- دینی ترکمانی، علی (1385)، تبیین افول سرمایه اجتماعی، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره 23
- دواس، دی ای (1376)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- رفیع پور، فرامرز (1378)، *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*، پژوهشی در زمینه آنومی در شهر تهران، تهران: انتشارات سروش.
- رفیع پور، فرامرز (1386)، *سرطان اجتماعی فساد*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سعادت، رحمان (1385)، تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره 23.
- شارع پور، محمود (1380)، *فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن*، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره 3.
- حافظی، عباس (1391)، «فردگرایی قانونگریزی در راندگی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد بابل.

- چلبی، مسعود (1375)، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- فیروزآبادی، سید احمد و دیگران (1385)، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی-اجتماعی در کلان شهر تهران، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره 23.
- فیروزجائیان، علی اصغر (1390)، قانونگریزی (تحلیل از منظر نظریه عدالت رویه‌ای)، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال 11، شماره 42.
- فیلد، جان (1386)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضایی، تهران: انتشارات کویر.
- فوکویاما، فرانسیس (1379)، *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران، جامعه ایرانیان.
- فوکویاما، فرانسیس (1384)، *سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی*، در سرمایه اجتماعی به کوشش کیان تاجبخش، تهران: نشر شیرازه.
- قدوسی، حامد (1384)، *رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از منظر نهادگرایی*، در سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، مریم شریفیان، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- عبداللهی، محمد (1378)، *موانع قانون‌گرایی و راه‌های مقابله با آن‌ها در ایران، در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عبداللهی، محمد و دیگران (1386)، سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره 25.
- علی بابائی، یحیی و علی اصغر فیروزجائیان (1388)، تحلیل جامعه‌شناختی عوامل موثر بر قانونگریزی، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال یازدهم، شماره 4.
- کلمن، جیمز (1386)، *بنیادهای نظریه اجتماعی* ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- کلمن، جیمز (1384)، *نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی*، در سرمایه اجتماعی به کوشش کیان تاجبخش، تهران: نشر شیرازه.
- گیدنز، آنتونی (1377)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز

- Bazemore, Gordon & Carsten, Erbe (2003) Operationalization the community variable in Offender Reintegration: Theory and practice for developing intervention social capital. *Youth Violence and Juvenile Justice*, vol.1.no.xpp: 246-275.
- Coleman, James, S (1988) social capital in the creation of human capital. *The American journal of sociology*, vol.94.pp: S95-S120.
- Dowley, Kathleen. M.Brian,D.silver (2000) Social capital, ethnicity and support for democracy in the post-communist states. *Europs-Asia studies*. Vol. 54, no.4.pp:505-527
- Faulkner, David (2003) Taking citizenship seriously: social capital and Criminal Justice in a changing world. *Criminal justice*.vol.3.(3) pp: 287-315.
- Ferguson, Kristin. M & C.H .Mindel (2007) Modeling fear of crime in Dallas's neighborhoods: A test of social capital theory. *Crime & Delinquency*.vol.53.no.2.pp: 322-349.
- Field , john (2003) social capital, London, Rutledge.
- Fukuyama, Francis (1997) social capital. The Taner lectures on human values. Delivered at Brasenose college oxford.may 12, 14 and 15.
- Fukuyama, Francis (1999) the great disruption: human nature and the reconstitution of social order. New York, the free press.
- Fukuyama, Francis (2001) social capital, civil society and development.Third world quarterly, vol 1.pp 7-20.
- Grange, Lesley Le (2003) The Role of (dis) Trust in a (Trans) national Higher education development project.*Higher Education*. Vol.46.no.4.pp:491-505.
- Hall, Peter, .A (1999) Social capital in Britain. *British journal of political science*, 29,417-461.
- Letki, natalia (2004) socialization for participation?Trust, membership and Democratization in East-critical Europe. *Political Research quarterly*,vol.57.no.4.pp.665-679.
- Letki, natalia (2003) Investigating the roots civic morality; Trust, social capital and institutional performance, department of political science.Collegium Civitas. Poland.
- Liu, Jianhong (1999) Social capital and covariates of reoffending risk in the Chinese context.*International criminal justice Review*. Vol.9.pp: 39-55.
- Maeda, Yasunobu and Makota Miyahara (2003) Determinants of Trust in industry, Government and citizen s groups in Japan. *Risk analysis*. Vol.23, no2.pp:303-310.
- Mechanic, David (1996) Changing ,medial organization and the erosion of Trust, *The Milbank quarterly*, vol. 74,no.2.pp: 171-189.
- Messner, Steven. F. ericp.Baumer; Richard Rosenfeild (2004) Dimention of social capital and rate of criminal homicide. *American sociological Reviw*.vol.69.no.6.pp:882-903.

- Muntaner, Carles. John Lynch (2002) social capital, class gender and race conflict and population health: an essay review of Bowling alone s implications for social epidemiology, *International journal of epidemiology*.vol.31.pp:261-267.
- Newton, Kenneth (2001) Trust, social capital, civic society and Democracy, *International political science Review*. Vol.22, on.2,pp:201-214.
- Norris, pippa (1996) Does Television erode social capital? A reply to Putnam, Ps: *political science and politics*, vol.29.no.3.pp:474-480.
- Owen, Stephen (2005) the relation between social and corporal punishment in school: A theoretical inquiry. *Youth & society*.vol.37.no.1.pp: 85-112.
- Paxton.P. (1999) is social capital declining in the United States? A multiple indicator assessment.*American journal of sociology*. Vol.105.no.1.pp:88-127.
- Putnam, Robert (1995)Declining social capital, *journal of Democracy*, pp, 65-78.
- Putnam, Robert (1995) Tuning in, Tuning out: The strange disappearance of social capital in America .PS: *Political science and politics*, vol.28.no.40.pp:664-683.
- Putnam, Robert (1999) Civic disengagement in contemporary America, in *government an opposition / Leonard Shapiro lecture delivered at the London School of economics on 6 May*.
- Putnam, Robert (2001) social capital; measurement and consequence, *spring.printemps*,41-51.
- Putnam, Robert (2001) *Bowling Alone: The collapse and Revival of American community*. Touchstone Book by simon& Schuster.
- Reising, Michael. P, K holtfreter& m, Morash (2002) social capital among women offenders: examining the distribution of social networks and resources. *Journal of contemporary Criminal hustice*.vol.18.no.2.pp:167-187.
- salmi, Venla& J. Kivivori (2006) the association between social capital and juvenile crime; the role of individual and structural factors. *European journal of criminology*.vol,3,pp: 123-148.
- Savage, Joanne &satoshiKanazavel (2002) social capital, crime and human nature. *Journal of contemporary Criminal Justice*.vol.18.no.2.pp: 188-211.
- Wilson, John (2001) Review: Dr Putnam's social lubricant: *Bowling Alone: The collapse and Revival of American community* by Robert. D. Putnam. *Contemporary sociology*.vol.30.No3.pp:225-227.
- Woolcock, Michael (1998) social capital and economic Development: Towards a Theoretical synthesis and policy framework, *Theory and society*.27.pp:151-208.
- Woolcock, Michael (2001) the place of social capital in understanding social and economic outcomes, *Canadian journal of policy research*.vol.2.1.1-17.
- Zaheer, Abar and etc (1998) does Trust matter? Exploring the effect of inter organizational and interpersonal Trust on performance, *Organization science*, vol.9.on.2.pp: 141-159.